

## خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار

این کتاب مهم‌ترین و گسترده‌ترین اثر به‌جای‌مانده از تقی‌الدین کاشانی است و از مفصل‌ترین تذکره‌های عمومی<sup>۳۹</sup> زبان فارسی به‌شمار می‌آید. نگارنده تذکره حدود سال ۹۷۵ ق نگارش خلاصه‌الاشعار را آغاز نموده<sup>۴۰</sup> و در سال ۹۸۵ ق چهار مجلد آن را تألیف کرده است؛ در سال ۹۹۳ ق مجلد پنجم را بر آن افزوده است، چنانکه در این باره می‌گوید:

صورت این اختتام و حقیقت این تفرقه در سلک انتظام سنه ثلث و تسعین و تسعمائه اتفاق افتاد و کلک تاریخ‌سرای امیر رفیع‌الدین حیدر معمایی جهت ضبط تاریخ این اختتام به این رباعی زبان گشاده، رباعیه:  
چون پنج کتاب تقی تذکره‌سنج در مخزن جلد جا گرفتند چو گنج

---

۳۹. تذکره‌ها را از حیث گستره و دربردارندگی شاعران، به صورتهای مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند. تذکره‌های عمومی معمولاً با شرح حال سخنسرایان قدیم آغاز می‌شوند و به معاصران پایان می‌یابند که خلاصه‌الاشعار، عرفات‌العاشقین و هفت‌اقلیم نمونه‌هایی از این نوع تذکره‌ها هستند. (برای اطلاع از تقسیم‌بندیهای انواع تذکره، نک: گلچین معانی ۱۳۴۸: ۱۲؛ نقوی ۱۳۴۳: ۴۲-۴۵؛ فتوحی ۱۳۸۷: ۲۸۸-۳۴۰).

۴۰. اولین تاریخی که بدان اشاره می‌کند، سال ۹۷۷ ق است در اصل دوم، ترجمه امیر روزبهان صبری (نک: تقی‌الدین کاشانی، «اصفهان»، ص ۱۸۹؛ به نقل از: گلچین معانی ۱۳۶۳: ۱/۵۴۰).

تا هر یک را درست باشد تاریخ بر پنج کتاب تقی افزودم پنج  
(ند، گ ۱۳۴۶ر)

تقی‌الدین کاشی پس از این تاریخ، بارها تألیف خود را کامل پنداشته است، چنانچه از مندرجات خلاصه‌الشعار نیز این موضوع مستفاد می‌شود، ولی چون به نکته‌ای تازه، در شرح حال یا ابیاتی نو از دیوان شاعری دست می‌یافته، دریغش می‌آمده آن را داخل تذکره نکند؛ چنانکه در احوال لطیف‌الدین زکی مراغه‌ای این گونه می‌بینیم:

دیوان شعر نیز داشته و شاید که در آن ولایت پیدا شود، الیوم هیچ از آن در عراق و خراسان ظاهر و پیدا نیست و به نظم نرسیده و تذکره‌نویسان سابق نیز اسم وی را در مصنفات خود مذکور نکرده‌اند، لیکن در شهر سنه اربع و عشر و بعده الف [۱۰۱۴] منتخبی از اشعار او به نظم رسید و به خط قدیم که خود انتخاب نموده بود جهت امیرالامرا شاهزاده قلیچ ارسلان سپهسالار الحسین بن علی بن الحسین که حاکم ولایت مراغه و نواحی سمرقند بوده و آن ولایتی است میان کاشمر و سمرقند و در آن نسخه گرامی از برای وی شعر گفته‌اند و او از برای ایشان مدح گفته و مسود این اوراق به طرح مثنوی آن اشعار را بی تصرفی در این خلاصه درج گردانید (ن، گ، ۱۲۷پ).

و بدین ترتیب، گزیده‌هایی از دیوان مختاری غزنوی را داخل تذکره می‌کند.<sup>۴۱</sup> تا اینکه پس از این افزون‌سازیه‌ها و حاشیه‌نویسیها سرانجام کار در سال ۱۰۱۶ق پایان می‌یابد؛<sup>۴۲</sup> چنانکه خود در این باره می‌گوید:

۴۱. برای موارد دیگر، نک: ذیل ترجمه ابوتراب فرقتی با ذکر تاریخ ۱۰۰۱ ق، نسبتی مشهدی با ذکر تاریخ ۹۹۵ق، (به نقل از: گلچین معانی ۱۳۴۸: ۵۴۲) و زکی مراغه‌ای با ذکر تاریخ ۱۰۱۴ ق. (به نقل از: صفری ۱۳۹۰).

۴۲. استوری (۱۹۵۳: ۸۰۳/۳) دستنویسی را معرفی می‌کند که در این سال تقی کاشی تألیف و به سلطان ابراهیم عادلشاه بیجاوری تقدیم کرده است و به گفته ایشانش همه مطالب را دارد (همچنین نک: نقوی ۱۳۴۳: ۱۲۴-۱۲۵؛ گلچین معانی ۱۳۴۸: ۵۴۴).

بعد از این تاریخ [۹۹۳ق] چو بسیاری از شعرا و فضلاى متقدمین و متأخرین و سابقین و لاحقین از اهل عصر و غیرهم داخل این کتاب خیرمآل شدند چه به التماس و چه به التزام و چه به حکم و چه به ابرام چنانچه این کتاب نظماً و نثراً به سه هزار و پانصد<sup>۴۳</sup> بیت رسید و مجلدات خمسہ بسیار و ضخیم و حجیم گردید لاجرم مجلدی بر این پنج افزوده شد و در شهور سنهٔ ست عشر و الف [۱۰۱۶] در تذکره‌نویسی را جهت ضعف قوا بر خود بست و التزام نمود که بعد الیوم دیگر قلم به اسم شاعری تر نکند و نام شخصی را داخل این تذکره نگرداند جهت اختتام این مجلد و التزام این قید این تاریخ بدیبه بر زبان قلم جاری گشت:

لازم شده در یقین تصنیف، جلد ششمین برای ناظم

زیرا که اضافه‌هاست در وی، از شعر اصاغر و اعاظم

گشته‌است تمام این مجلد یک‌بار دگر به سعی خادم

تاریخ نگار زان سبب گفت شده است مجلدات لازم

(ند، گ ۱۳۴۶ر- پ)

### ساختار خلاصه‌الاشعار

بنای کلی<sup>۴۴</sup> این تذکره به ترتیب زیر است:

۱. مقدمهٔ آغازین در سبب جمع‌آوری اشعار.
۲. بیان عشق و محبت و شرایط آن در چهار فصل به شرح زیر:
  - ۱.۲ فصل اول: «در بیان ایجاد عشق و معرفت آن که عشق ازلی است و اینکه محبت اول از جانب الهی است به حکم منطوق آیهٔ یحبهم و یحبونه.»
  - ۲.۲ فصل دوم: «در تعریف و فضیلت عشق و مذمت کسانی که هوس را عشق نام نهاده‌اند.»
  - ۳.۲ فصل سوم: «در تقسیم عشق به مجاز و حقیقت و شرایط محبت از جانب

۴۳. اصل: سیصد و پنجاه.

۴۴. فهرست اجزای خلاصه‌الاشعار و نمایهٔ مندرجات آن با ذکر صفحه در دستنویسهای موجود، در پایان همین رساله آمده است.

- محب و نصیحت جماعتی که منکرند مودت را.»
- ۴.۲. فصل چهارم: «در شرایط محبت از طرف محبوب مجاز و مذمت جماعتی که معشوقی را ندانسته‌اند.»
۳. اختیارات دیوان علی بن ابی طالب (ع).<sup>۴۵</sup>
۴. چهار رکن در ذکر سرایندگان متقدم از زمان آل سبکتگین تا زمان تألیف به شرح زیر:
- ۱.۴. رکن اول: «تذکره شعرای متقدمین از زمان آل سبکتگین از قصیده‌گویان و بیان حالات عشق ایشان... به ترتیب تاریخ فوت» [۵۴ سراینده].
- ۲.۴. رکن دوم: «مشمتمل بر ذکر غزلسرایان متقدمین و بعضی قصیده‌گویان که با ایشان معاصر بوده‌اند» [۴۲ سراینده].
- ۳.۴. رکن سوم: «مشمتمل بر غزل‌گویان و بعضی از قصیده‌گویان متأخرین...» [۴۸ سراینده].
- ۴.۴. رکن چهارم: «شعرای زمان سلطان حسین میرزا الی زمان هذا التألیف...» [۱۰۲ سراینده].
۵. مقدمه خاتمه و خاتمه‌ای مبتنی بر دوازده اصل (مطابق بروج آسمانی)<sup>۴۶</sup> و هر اصل ویژه ناحیه‌ای.

۴۵. این ترجمه منظوم در واقع برگزیده‌ای است از شرح منظوم دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علی (ع) از قاضی کمال‌الدین حسین بن معین‌الدین میبیدی یزدی (م ۹۰۹ ق) که تقی‌الدین آن را بی ذکر منبع داخل تذکره کرده و به صورت مستقل نیز از روی خلاصه‌الشعار کتابت شده است (نک: صدرایی خویی ۱۳۷۷: ۱۲۷/۳۸). شرح منظوم دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علی (ع) در سال ۱۳۷۹ با مقدمه و تصحیح حسن رحمانی و سید ابراهیم اشک‌شیرین در مرکز پژوهشی میراث مکتوب به چاپ رسیده است.

۴۶. تقی‌الدین در مقدمه خاتمه دلیل تنظیم خاتمه بر دوازده اصل را چنین بیان می‌کند: «بر رأی ارباب فطنت و ذکا و اصحاب نظم و انشا پوشیده نماند که خاتمه کتاب خلاصه‌الشعار را به عدد بروج آسمان بر دوازده اصل قسمت نمودیم و باز هر اصل را به دو فصل تقسیم کردیم بر این ترتیب: فصل اول در ذکر سخنورانی که الیوم بازار فصاحت به درر الفاظ ایشان آراسته است و دکان بلاغت به غرر معانی ایشان پیراسته... فصل دوم در ایراد اشعار سخنورانی که بعضی از آن قبیل‌اند که بنده بی‌مقدار به خدمت ایشان در صغر سن رسیده و فیض بی‌نهایت از نظر کیمیا اثر ایشان یافته و الحال در عرصه فنا ساکن‌اند و جمعی دیگر از ایشان را ندیده و به ملازمت نرسیده» (مج، گ ۵ پ).

اصل اول: در ذکر شعرای دارالمؤمنین کاشان<sup>۴۷</sup> [۵۶ سراینده].  
اصل دوم: در ذکر شعرای اصفهان [۴۷ سراینده].  
اصل سوم: در ذکر شعرای دارالمؤمنین قم و نواحی آن [شانزده سراینده].  
اصل چهارم: در ذکر شعرای ساوه و نواحی آن [چهارده سراینده].  
اصل پنجم: در ذکر شعرای دارالسلطنة قزوین [۲۵ سراینده].  
اصل ششم: در ذکر شعرای گیلان و دارالمرز مازندران و نواحی آن [هجده سراینده].  
اصل هفتم: در ذکر شعرای دارالسلطنة تبریز و آذربایجان و نواحی آن [۳۵ سراینده].  
اصل هشتم: در ذکر شعرای یزد و کرمان و نواحی آن و دیار هندوستان [چهل سراینده].  
اصل نهم: در ذکر شعرای دارالافاضل شیراز و نواحی آن [۳۵ سراینده].<sup>۴۸</sup>  
اصل دهم: در ذکر شعرای بلدة الاسلام همدان و نواحی آن و بعضی اکلات فراهان و امثال آن [۴۶ سراینده].  
اصل یازدهم: در ذکر شعرای دارالخلافة ری و دارالفتح استرآباد و نواحی آن بلاد [۳۱ سراینده].  
اصل دوازدهم: در ذکر سخنسرایان بلاد خراسان [۵۱ سراینده].

گویا نگارنده بعدها ذیلی بر اثر خویش افزوده که ویژه شاعرانی بوده که پس از اتمام کار، دیوانشان به دستش رسیده یا به تازگی به شاعری روی آورده بوده‌اند. این ذیل شامل اشعاری از حدود ۲۰۶ سراینده بدون شرح حال می‌شود. نام این شاعران در فهرست برلین (پرچ ۱۸۸۸: ۶۱۲-۶۱۶) و نسخه ایندیا آفیس آمده است. تقی‌الدین بخشهایی از اشعار خود را نیز در مدخل «ذکری» آورده است که همچون دیگر مداخل این بخش بدون شرح احوال است.

---

۴۷. تقی‌الدین دلیل آغاز خاتمه از بخش شاعران کاشان را چنین بیان می‌کند: «چون مصدوقه حُبُّ الوطن من الایمان، حدیثی است صحیح و کلامی است در غایت شهرت، لازم بود ابتدا از شاعران دارالمؤمنین کاشان نمودن، بلکه فرض متحتم» (همانجا).  
۴۸. این اصل توسط نگارنده انجام یافته است که در آینده نزدیک از سوی مرکز پژوهشی میراث مکتوب به چاپ خواهد رسید.

بنابراین خلاصه‌الاشعار شامل شرح احوال و منتخب اشعار ۲۴۷ سراینده متقدم (در بخش ارکان) و ۴۱۴ سراینده معاصر در بخش خاتمه (مجموعاً ۶۶۱ صاحب ترجمه) می‌شود که با احتساب شاعران ذیل نهایی، شمار شاعران این تذکره به ۸۶۷ نفر می‌رسد.

### اسلوب نگارش خلاصه‌الاشعار

ترتیب ذکر شاعران در بخش متقدمان، چنان که تقی‌الدین بیان می‌کند، بر اساس زمان فوت است. در برخی دستنویسهای به‌جامانده، این ترتیب اندکی متفاوت است؛ احتمالاً تاریخ وفات برخی را مؤلف نمی‌دانسته و چون پی برده، در دستنویسهای بعدی صورت ترتیبی آن را اصلاح کرده است. در بخش معاصران نام هر یک از شعرا در شهری که در آن متولد شده و یا متوطن آنجاست، ذکر شده است. او به هر شهری لقبی داده که متناسب با آن دیار است؛ مثلاً دارالمؤمنین کاشان، دارالسلطنة قزوین، دارالافاضل شیراز و... به نظر می‌رسد در بخش معاصران نیز در بیشتر موارد ترتیب دیگری لحاظ کرده، به نحوی که در ابتدا نام بزرگزادگان و شاعران نامبردارتر را آورده است<sup>۴۹</sup> و سپس به شاعران دیگر — که در مورد آنها کمتر می‌دانسته است یا خود شهرت کمتری داشته‌اند — پرداخته است. همچنین به بعضی اصول خاتمه لاحق‌ای افزوده است. این لاحق‌ه به شاعرانی اختصاص دارد که می‌بایست در ارکان نوشته می‌شدند، اما چون دیوان آنها به دستش نرسیده است و یا شهرت چندانی نداشته‌اند و به دلیلی از محل ذکر احوال آنها گذشته است، با مشورت دوستی «که در وضع و ترتیب کتاب که اشتباهی روی می‌دهد مشورتی با وی می‌رود» (مج، گ ۴۷۸-۴۷۹) این بخش را افزوده است.

نمونه‌های شعری، اعم از قصیده، غزل، رباعی، ترکیب‌بند و ترجیع‌بند مفصل ذکر شده‌اند و در یک مورد منتخب نثر شاعر هم آمده است و آن بخشهایی از

---

۴۹. برای مثال، بنگرید به بخش قزوین که در ابتدا نام سلاطین و بزرگزادگان و سپس نام شاعران دیگر آمده است.

رسالة/اخلاق/الاشراف عبید زاکانی آن است. اما از ذکر مثنوی شعرا ابا داشته و به گفته خود تذکره را از این قالب مبرا ساخته است.

خلاصه‌الاشعار نثری ساده دارد؛ اما کاملاً ساده و مرسل نیست و جلوه‌هایی از نثر فنی نیز در آن دیده می‌شود. به سخنی دیگر، تقی‌الدین از سویی با به کاربردن فنون بیانی و بدیعی، درج و تضمین اشعار و مثل و اقتباس از آیات، احادیث و سخنان حکمی و روایی مرتبط با بحث، نثری منسجم عرضه کرده است؛ ولی از دیگر سو، با به کارگیری وافر واژه‌های بیگانه (اغلب شامل لغات و ترکیبات عربی) از سلاست کلام کاسته و بر دشواری آن افزوده است.

نکته دیگر که خاص خلاصه‌الاشعار است پرداختن به برخی مسائل فراتذکره‌ای چون ذکر فصلهایی اخلاقی در خلال احوال شاعران است؛ مثلاً در قناعت (ذیل عاشقی سیستانی)، در سخا (ذیل مولانا کاهی)، در توبه (ذیل سلیمی سبزواری) در تواضع (ذیل قیدی شیرازی)، و در مزاح و هزل و شوخی (ذیل عرفی شیرازی).

#### منابع نگارش خلاصه‌الاشعار

در خلاصه‌الاشعار ذکر منابع به‌ندرت صورت گرفته است. در این میان، منابعی از جمله تذکره تحفه سامی (ذیل عبیدی بیگ نویدی)، تذکره‌الشعرا که گاه به اسم مجمع‌الشعرا نیز آمده است (ذیل نجم ساوجی)، چهارمقاله نظامی عروضی (ذیل ادیب صابر)، المعجم فی معاییر اشعار العجم، جاودان خرد (ذیل سنایی)، تاریخ گزیده (ذیل عبدالواسع جبلی)، تاریخ هند (ذیل حسن دهلوی)، روضة‌الصفاء و مطلع السعدین (ذیل ابواسحاق کرمانی)، سوانح العشاق (ذیل اثیر اخسیکتی) و دیوان برخی شعرا را ذکر می‌کند. در مقدمه آغازین نیز اشاراتی به منابعی چون مقالات شمس، مقامات مولانا عبدالرزاق کاشی، تصانیف احمد غزالی، احیاء العلوم، فتوحات مکیه، کتاب رشف از شیخ شهاب‌الدین سهروردی، عهدنامه اردشیر و فوائدالحکمای بوزرجمهر آمده است.

شایان ذکر است که منابع مؤلف در بخش خاتمه — چنانکه خود پراکنده در ذیل احوال شاعران می‌گوید — یا از طریق سفرکردگانی بوده که با آنها دوستی و

ملاقات داشته، همچون مولانا غیرتی که مدتی در کاشان می‌زیسته است و ابوالقاسم کازرونی و حامد بهبهانی که مدتی در آنجا توقف داشته‌اند، و یا از طریق شاعرانی بوده که در سفرهای خود با آنها دیدار داشته است، مانند مولانا صحیفی که وی را در سفر اصفهان ملاقات کرده است. در مواردی هم او اشاره می‌کند که چون دیوانشان به دستش نرسیده ترجمه احوال و ابیات را از «سفاین مستعدان» داخل تذکره کرده (همچون مدخل مولانا مکتبی) و یا از «معمدی که در جمیع اقوال اعتماد به گفته ایشان» داشته شنیده که در دیوان وی ثبت است (ذیل مدخل میر هیبت‌الله غریبی). افزون بر این موارد، تنها در مدخل مولانا زمانی یزدی اشاره‌ای به برخی «مستعدان» خود کرده که این چنین است:

[زمانی یزدی] در اوایل سنه احدی و الف هجریه [۱۰۰۱] از وطن مألوف و مسکن معروف یعنی دارالعباده یزد سلوک طریق مسافرت به جانب دارالسلطنه قزوین اختیار نمود و چون به آن صوب با صواب آمد مستعدان این جانب به شرف صحبت وی رسیدند و اشعار خوب و ابیات مرغوب از اقسام شعر از او شنیدند و آن جناب قصیده و چند مقاله از مثنوی که در جواب مخزن الاسرار شیخ نظامی گفته، مرقوم کلک مشکین شمامه گردانید که مسود این اوراق درین خلاصه ثبت نماید... (ب، گ ۴۶).

یکی از منابع مهم تقی‌الدین کاشانی در مقدمه، شرح منظوم دیوان امام علی (ع) از قاضی حسین میبیدی است که به منبع درآمد این بخش اشاره‌ای نکرده است. تقی‌الدین از کتاب مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه عزالدین محمود کاشانی نیز در نگارش فصلهای اخلاقی-عرفانی (چون فصل توبه در مدخل سلیمی سبزواری) اقتباس کرده است که این مورد نیز بی ذکر منبع صورت گرفته است.

#### ارزش و اهمیت خلاصه‌الاشعار

بیان برخی ویژگیها و موارد اهمیت خلاصه‌الاشعار که یکی از تذکره‌های ارزنده و سودمند زبان و ادبیات فارسی است، در این بخش خالی از فایده‌ای نیست:



۱. خلاصه‌الاشعار در زنده نگاه داشتن نام بسیاری از شاعران و اشعار آنها نقش مهمی ایفا کرده‌است؛ چنانکه اگر تقی‌الدین در قرن دهم دست به چنین کار بزرگی نمی‌زد، از بسیاری شاعران نامی قرن پنجم تا زمان تألیف تذکره، همچون زکی مراغه‌ای، رضی‌الدین بابا قزوینی، جلال جعفر فراهانی، جلال‌الدین عتیقی، شمس‌الدین عضد یزدی، میر بهاء‌الدین محمد کرمانی، غیاث‌الدین کججی، شاه شجاع شیرازی، عیسی ساوجی، عبدالله مروارید کرمانی، شاه طاهر انجدانی، جلال‌الدین شمس‌الدین ورکانی، و کمال‌الدین زنجانی، چیزی جز ابیاتی ناچیز باقی نمی‌ماند و از بسیاری از معاصران وی که احیای بخشی از دیوان خود را وامدار او هستند، همچون ضمیری صفاهانی، عبدی بیگ نویدی شیرازی، مکتبی، حامدی بهبهانی، و یا شاعران بی‌دیوان هم‌روزگارش نیز، اطلاعی نداشتیم. خلاصه‌الاشعار همچنین می‌تواند به عنوان نسخه‌ای نویافته از بسیاری شاعران مذکور در تذکره تلقی شود، همچون مدخل مولانا عرضی در اصل نهم.

۲. تذکره‌های عمومی به دلیل دربرداشتن اشعار شعرای متقدم و متأخر، علاوه بر اینکه نشان‌دهنده سیر تحول شعر فارسی هستند، منابع مفیدی برای پژوهشهای سبک‌شناختی و تدقیق در سیر و تحول شعر پارسی به شمار می‌روند. در این میان خلاصه‌الاشعار، به دلیل شرح مفصل احوال شاعران و گلچین گسترده‌ای که از اشعار سرایندگان به دست می‌دهد، حائز اهمیت بسیار است.

۳. برخی تذکره‌نگاران در کنار شرح احوال شعرا به واقعه‌های سیاسی و مسائل تاریخی اشاره می‌کنند که گاه از چشم تاریخ‌نگاران دور مانده یا به تفصیل بیان نشده‌اند؛ از این رو ارزش و اعتبار بسیار در پژوهشهای تاریخی آن دوره دارد. برای نمونه اصل پنجم خلاصه‌الاشعار که در مورد شعرای قزوین است، اطلاعات ارزشمندی در ترجمه احوال برخی سلاطین شاعر و چگونگی کشته‌شدن آنها به دست می‌دهد. برای نمونه ذیل مدخل ابراهیم میرزا منشأ حسد اسماعیل میرزا به وی این چنین بیان شده‌است:

... ابراهیم میرزا در بدایت سن صبا بر دامن تربیت و شفقت... شاهزاده

سلطانم... پرورش می‌یافت و در ظل عاطفت آن معصومه دوران روزگار می‌گذرانید و آن مریم خدیجه ناموس، دایم الاوقات نزد سلطان خجسته خصال وی را می‌ستود و در حسن افعال او و قبح اعمال شاهزاده مظفرلوا، اسماعیل میرزا، سخنان به عرض می‌رسانید؛ لاجرم پادشاه سکندر حشم نسبت به آن حضرت آن مقدار محبت پیدا کرد که موجب رشک شاهزاده مشارالیه و دیگر اولاد عظام گردید... (مج، گ ۵۰۱ پ).

تعصبات دینی راه‌یافته به سیاست دوره صفوی در اغلب بخشهای خلاصه‌الاشعار، سیطره و نفوذ نقطویه و پیروان آن به ویژه در بخش کاشان، ارتباط ایران و هند در اصل هشتم، به ویژه در مدخل امیر معصوم بگری<sup>۵</sup> و در بخش شیراز وقایعی که در مدخل امیر مخدوم شریف آمده و اشاره به تأثیرگذاری و شاعرانوازی شاهزاده پریخان خانم شده، نمونه‌ای از اشارات تاریخی خلاصه‌الاشعار است.

۴. اشاره به وضعیت اجتماعی دوره صفوی و آداب و رسوم رایج به خصوص در این دوره که شعر از دربار خارج شده و در بستر جامعه و در میان اصناف مردم رواج یافته است در تذکره‌های این دوره درخور توجه است. در خلاصه‌الاشعار برای نمونه با جلسات شعرخوانی و نیز اطلاعات درخوری از مسائل و دغدغه‌های مطرح شده در این جلسات آشنا می‌شویم. چنین برمی‌آید که این جلسات، افزون بر اینکه جایی برای طبع آزمایی و شعرخوانی شاعران بوده است، در آنجا آزمونهایی نیز برای سنجش شاعران مطرح می‌شده است و هر جلسه، کارگاهی برای طرح و بحث در مشکلات شعری شاعران و نقد و بررسی و تتبع اشعار و پرسش و پاسخهای شعری بوده است. افزون بر این، در این دوره شاعران از هر صنفی از جامعه در حوزه شعر به طبع آزمایی می‌پرداختند که

۵۰. در این مدخل رونوشت نامه‌ای بود. این نامه در منابع تاریخی مکتوب دیده نشد، اما جوابیه شاه عباس به جلال‌الدین اکبر در کتاب شاه عباس (نوایی ۱۳۶۷: ۳/۳۶۹-۳۷۳) آمده است.

می‌توان به مشاغلی چون تکمه‌بافی، خوشنویس، صحاف، نوازنده، نانوا، قاضی، اوراچه‌نویس، حاکم و وزیر اشاره کرد.

اشاره به سطح فرهنگ و پیشرفت علوم در روزگار مؤلف نیز در خلاصه‌الاشعار نمود یافته است. برای نمونه در اصل سوم (بخش شاعران قم) ذیل مدخل میر والهی آمده است که چون میر والهی به ترک‌پسری تعلق خاطر پیدا کرد و معشوق را از اختلاط با بعضی ترکان بر حذر داشت «آن جماعت از دوام اختلاط و تصرف وی در محبوب منزجر شدند» (مج، گ ۴۶۰ پ) و با بدگویی از او محبوب را بر آن داشتند تا سید را تنبیه کند. محبوب نیز به سخنان آنها فریفته شد و با کمک بعضی از آن دشمنان در فرصتی «سید را گرفته، یک گوش از سر و بینی از روی او برداشت» (همان، گ ۴۶۱ ر). «القصه بعد از وقوع این حادثه جراحان کاردان را حاضر ساختند و بینی و گوش وی را وصل نموده به تصحیح و علاج آن پرداختند و چون صدق محبت و عدم آلودگی وی وضوح تمام داشت و در عشق نیز صادق و بی‌گناه بود در اندک‌روزی آن شکستگیها درست کردند و آن جراحات به سرحد اندمال رسید... و الحال بحمدالله سبحانه که از آن جراحات المی باقی نمانده...» (همانجا؛ همچنین نک: «ماجرای زبان بریدن مولانا حرفی»، بخش اصفهان، ص ۳۷۱؛ «نحوه درمان وحشی بافقی»، ند، گ ۱۱۰۹ ر) که سطح علم پزشکی روزگار تقی‌الدین را نشان می‌دهد.

۵. تقی‌الدین کاشانی، شعرشناسی ماهر بوده و در مقام ادبی شاعران ذکر شده و پایه شاعری آنها اظهار نظر کرده است که نمونه‌های ابتدایی نقد ادبی به شمار می‌رود. افزون بر این، در بیان شرح حال شعرا در مهارت و توانایی آنها و اخلاق و سبک شعریشان اظهار نظر کرده است؛ اگر دیوانی ترتیب داده‌اند، همراه با شماره ابیات ذکر کرده و در موارد مشکوک شعرزدی از صحت انتساب یا غیر آن سخن گفته و به سخنی دیگر، شیوه‌ای نقادانه در نشان دادن سره و ناسره سخن سخنوران پیش گرفته است.

۶. مطالعه و تتبع در دیوان شاعران و انتخاب از بین آنها، موجب فراهم آمدن

گلچینی از اشعار خوب شاعران شده است، که برای کسانی که در جست‌وجوی اشعار خوب یک شاعر هستند، بسیار مفید است. پس تقی‌الدین کاشی انتخاب شعر را امری حساس می‌داند، مبدا به کج‌سلیقگی و شعرناشناسی متهم شود؛ از این رو اغلب با دقت دست به انتخاب اشعار زده و از بین اشعار برگزیده، منتخب آنها را داخل تذکره کرده است. «التماس» وی از خوانندگان این است:

اگر بیتی از شاعری که مؤلف اختیار کرده به مذاق و سلیقه ایشان خوش نیاید، حمل بر کج‌سلیقه و عدم ممیزه نکنند؛ چه مدعیات در ضمن آن بسیار است... و نیز تواند بود که غلط از جانب معترض باشد و خوبی آن شعر بر او به سببی از اسباب پوشیده شود، زیرا که قاعده بر خوبی و بدی و پستی و بلندی شعر و شناختن او موضوع و مقرر نشده و هر یک به قدر استعداد و ذوق خود چیزی خوش می‌کند، اما با وجود این هیچ بیتی نوشته نمی‌شود که اکثر صاحبان ادراک آن را به خوبی نپسندیده باشند و در سفینه‌های خود مسطور نساخته (ف، گ ۳ پ).

۷. گروهی از تذکره‌نویسان، ضمن بیان شرح احوال، به حکایاتی از زندگی شاعران و حکام اشاره می‌کنند و زوایای پنهان زندگی صاحبان ترجمه را روشن می‌سازند که این نکات که در کتابهای دیگر ناگفته مانده‌اند. در این میان حکایات و احوال زندگی معاصران تقی‌الدین کاشانی در بخش خاتمه اهمیتی ویژه دارد.

۸. برخی تذکره‌نگاران از منابعی استفاده کرده‌اند که هم‌اکنون از بین رفته‌اند؛ از این رو در شناخت و معرفی آثار مؤثرند. برای مثال، تقی‌الدین از دیوان شعرایی چون زکی مراغه‌ای، نویدی شیرازی یا ضمیری اصفهانی استفاده کرده و اشعار بسیاری از آنها به دست داده است که منحصراً در خلاصه‌الاشعار آمده‌اند. بدین طریق او در زنده نگاه داشتن نام سرایندگان بسیاری، به ویژه از معاصران خود، مؤثر بوده است. علاوه بر آثار سرایندگان که در کنار شرح احوال آنها معرفی

شده‌اند، مطالبی از کتابهای مختلف تاریخی، جغرافیایی، حکمی و اخلاقی درج و به نام آنها اشارت شده است؛ مثل کتاب *سامی‌البلدان* که به گفته‌ی تقی‌الدین «یکی از فضیله‌ی روزگار در سنه‌ی خمس و اربعمائه تصنیف کرده» (ند، گ ۱۱۱۷).

۹. خلاصه‌الاشعار همچنین اطلاعات مفیدی در مورد جغرافیای تاریخی شهرها به دست می‌دهد که در ترسیم اوضاع جغرافیایی ایران در زمان صفوی سودمند است. مثلاً می‌گوید: [فریدالدین شعیب] از جوشقان میمه است من اعمال نظنز عراق (بخش کاشان، ص ۴۱۹)، [افضل دوتاری] از آوره است من اعمال نظنز عراق (همان، ص ۴۵۶)، [میر مرتضی رفیعی] از قریه‌ی گز است من اعمال اصفهان (بخش اصفهان، ص ۲۸۳) و یا رنان ولایتی است از جمله ولایات صفاهان و جایی فرح‌بخش و دلگشا است (ذیل مدخل شاهکی رنانی، ص ۲۸۶). همچنین است خراسگان اصفهان (ذیل تقی‌الدین محمد شاهمیر، ص ۳۸۹) و بهبهان فارس (بخش شیراز، ذیل مدخل حامدی بهبهانی) و در اصل دهم، بروجرد از نواحی همدان ذکر شده و طسوج و کرهرود از اعمال قم (ذیل مدخل علایی کرهرودی). تذکرها به ویژه حاوی اطلاعات مردم‌شناختی و اجتماعی زمان خود نیز هستند (نک: ذیل مدخل عاشقی سیستانی در مورد سیستان، ند، گ ۱۱۳۰ پ ۱۱۳۱- پ؛ و ذیل مدخل قاسمی اردستانی در مورد اردستان، ند، گ ۱۱۱۷ ر - پ).

۱۰. در برخی از تذکرها اطناب و غلو در تعریف و ستایش برخی صاحبان ترجمه و در کنار آن رویکرد متعصبانه و مغرضانه نسبت به کسانی که به آنها نظر خوبی نداشته‌اند موجب شده است تا شاعران به درستی معرفی نشوند. تقی‌الدین کاشی همواره می‌کوشد منصفانه قضاوت کند؛ از این رو در مواردی با جملاتی چون «بیان آن ملایم سیاق این کلام نیست» از نگارش مواردی صرف نظر می‌کند. نمونه‌های افراط در مدح و بدگویی به ندرت دیده می‌شود و تنها یک بار، در اصل سوم (ذکر شاعران قم و نواحی آن) ذیل مدخل میرجمال‌الدین اصلی با تندروی مؤلف در بدگویی صاحب ترجمه مواجه می‌شویم که این‌گونه دلیل می‌آورد: «غرض از ایراد این سخنان آن است که در شهر سنه‌ی ثلاث و الف

هجریه جمعی از معاندان ارباب هنر... حرفی چند، سهل که نقل آن لایق به سوق این کلام نیست به بداصل مشارالیه گفتند و خاطر پلید آن متلون المزاج را از مخلص منحرف ساختند، لاجرم آن خفایای خبیثه که در زوایای اندرون وی مخفی بود به ظهور رسید...» و در پایان خواست تا «بی جهتی و سببی یا به واسطه طمعی با مؤلف این اوراق مباحثه و مناظره کند آن طمع توقع صورت نمی یافت حقوق استاد شاگردی و حق نمک خوارگی قدیمی بر یک طرف مانده و چشم از همه پوشیده به مخلص بی حیایها کرد و از عیوب و نقصانی که در ذات پلیدش بود به جهت خوف آنکه مبدا از این جانب اظهار آن به ظهور رسد به این داعی نسبت داده کمال بی شرمی و جلالت به جای آورد. از این رو «به حکم المكافات خیر من المماشات» با «قلم تازی نژاد» خویش زبان به هجوش می گشاید (نک: میج، گ ۴۷۳ پ- ۴۷۴ پ). زیاده گویی در مدح صاحب ترجمه نیز به ندرت دیده می شود که نمونه اعلاای آن در حق ولی نعمت خود، امیر معصوم بکری، و همایون شاه در اصل هشتم نمود یافته است.

#### برخی کاستیهای خلاصه اشعار

تذکره‌ها در کنار اطلاعات ارزنده‌ای که در اختیار خواننده قرار می دهند، خالی از عیب هم نیستند؛ از این رو مطالب تذکره‌ها کاملاً پذیرفتنی نیستند و باید مورد بررسی و تحقیق بیشتر قرار گیرند. تقی الدین در مورد اهمیت خلاصه اشعار و کاستیهای احتمالی آن، این چنین می گوید:

... به توفیق باری — عز اسمه — آنچه در جمع و تألیف این کتاب میسر شده، هیچ کس را نتواند شد و مثلاً اگر صد دانای متبحر که هر کدام عمر طبیعی یابند و اوقات را صرف جمع اشعار این قسم شاعران نمایند از عهده جمع و ترتیب و تصحیح و تنقیح آن اشعار بیرون نتواند آمد تا به آنچه رسد که خواهند دواوین اکثر متقدمین و متاخرین را انتخاب درست پسندیده نویسند، چنانچه اشعار برگزیده ایشان با وجود طرزهای مختلفه و ادواق متنوعه شعر خوبی نماید که نوشته نشده باشد و شعر دیگری به اسم شاعر دیگر نوشته نشود یا آنکه در

دیوان استادان که جامعان بعد از ناظم آن جمع کرده‌اند، اشعار دیگران در آنجا به اسم آن شاعر نوشته نماند و متذکر<sup>۵۱</sup> طرز و روش آن شاعر نشده. الحمدلله و المنه که این نسخه خیرمآل از امثال این اغلاط خالی است و اگر نیز باشد در کمال خفا و پوشیدگی است چنانچه بر تتبع‌کنندگان صاحب فطن این معانی ظاهر و مبین است (ند، گ ۲۶۵ پ).

اما آنچه پذیرش مطالب تذکرها را دشوار می‌کند — که شامل خلاصه‌الاشعار نیز می‌شود — به قرار زیر است:

۱. برخی تذکره‌نگاران در بیان شرح حال شاعران تفحص لازم را به جا نیاورده‌اند و اطلاعات دقیقی حتی در مورد معاصران خود به دست نداده‌اند؛ از این رو در برخی تذکرها اشتباهات بسیار دیده می‌شود. بخش معاصران خلاصه‌الاشعار در بردارنده اطلاعات منحصر به فرد از شعری است که مؤلف یا با ایشان صحبت داشته و یا از افرادی که به گفته ایشان اعتماد داشته شنیده است و یا با شاعران مکاتبه داشته و اشعارشان برای او ارسال می‌شده است، که از این رو موجب شده اشتباه کمتری به آن راه یابد؛ با این همه گاه با مطالب و تاریخهایی روبه‌رو می‌شویم که صحت آنها مشخص نیست و به نظر می‌رسد هنگام نگارش آنها تفحص لازم به عمل نیامده است؛ مانند ذکر مولد سراجی سگری، تاریخ وفات ازرقی، پوربهای جامی و از معاصران، مولانا عرفی شیرازی.<sup>۵۲</sup>

۲. در بیشتر تذکرها منابع و مأخذ ذکر نشده‌اند؛ گویی از نظر مؤلفان اهمیت چندانی نداشته‌اند، این مسأله شامل خلاصه‌الاشعار نیز می‌شود؛ در بیشتر موارد با عبارتهایی مبهم چون «گفته‌اند» و «آمده است» از صاحبان برخی منابع یاد می‌شود، در اشعاری که برای تأکید و استناد گفتار لابه‌لای سخن بیان می‌شود،

۵۱. اصل: ماند و متفظن (?).

۵۲. بعضی مطالب خلاصه‌الاشعار در تاریخ ادبیات در ایران نقد شده است. (نک: صفا ۱۳۷۱: ۴۱۲/۲، ۴۱۳، ۴۳۵، ۴۸۳، ۸۴۹؛ ۳/۳۶۲-۳۶۵، ۶۶۶، ۸۴۴، ۹۳۸، ۹۹۶؛ ۵/۶۹۷).

نیز وضع به همین صورت است و تشخیص اینکه آیا اشعاری که این گونه آمده‌اند از آن خود اویند یا دیگری، کار دشواری است؛ با این همه به ندرت از منابعی هم یاد می‌کند که در بخش منابع نگارش خلاصه‌الاشعار به آن اشاره شده است.

۳. تقی‌الدین بیان داستان عشق شاعران<sup>۵۳</sup> را یکی از غرضهای اصلی نگارش تذکره بیان می‌کند (نک: ذیل مداخل عمیق، ضیاء‌الدین خجندی و شرف شفروه) و بدین ترتیب در مورد همگی شاعران ارکان اربعه عاشقانه‌ای می‌آورد که در برخی موارد به افسانه‌گویی نیز می‌انجامد. از این رو سعید نفیسی (۱۳۴۴: ۳۷۹/۱) یکی از کاستیهای خلاصه‌الاشعار را چنین بیان کرده است:

... در باره شعرای متقدم مقید بوده است برای هر یک داستان معاشقه‌ای بیاورد و به همین جهت برای همه، معاشقاتی جعل کرده و بدین گونه داستان و افسانه را با تاریخ و حقیقت آمیخته است؛ اما منتخبات بسیار جامعی از شاعران در کتاب خود آورده و از اینجا پیداست که کتاب بسیار داشته و تحقیق بسیار کرده.

۴. چنانکه گفته شد، در تذکره خلاصه‌الاشعار نمونه‌های شعری بسیاری از قصیده، غزل، رباعی، ترکیب‌بند و ترجیع‌بند ذکر شده است و در پاره‌ای موارد نمونه‌های نثر هم آمده است. اما مؤلف از ذکر مثنوی شعرا ابا داشته و از این رو از شاعرانی که صرفاً به منظومه‌سرایی پرداخته‌اند و از شاعران نامداری چون فردوسی چندان نشانی نیست؛ به علاوه از زنان شاعر نیز در این تذکره خبری نیست.

---

۵۳. ظاهراً در این بخش، نگاه میر تذکره به مجالس‌العشاق بوده است.